



قرآن کریم؛ منبع معتبر مطالعه غیب و پشتوانه تولید علم اسلامی

درحالی‌که غربیان به دلیل عدم دسترسی به منبعی معتبر برای مطالعه درباره واقعیت غیب خود را محدود به واقعیت مشهود کرده‌اند، مسلمانان می‌توانند با اتکا به منبع معتبر قرآن کریم، پیرامون واقعیت غیب نیز به مطالعه پرداخته و تولید علم خود را بر آن مبتنی کنند.

درحالی‌که غربیان به دلیل عدم دسترسی به منبعی معتبر برای مطالعه درباره واقعیت غیب خود را محدود به واقعیت مشهود کرده‌اند، مسلمانان می‌توانند با اتکا به منبع معتبر قرآن کریم، پیرامون واقعیت غیب نیز به مطالعه پرداخته و تولید علم خود را بر آن مبتنی کنند.

سیدسعید زاهد زاهدانی، دانش آموخته حوزه و دانشگاه و دانشیار گروه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با اشاره به تفاوت دیدگاه اسلامی و غربی در علم‌شناسی، عنوان کرد: ریشه اختلاف علم‌شناسی اسلامی و غربی از اینجا نشئت می‌گیرد که ما در علوم اسلامی، علاوه بر واقعیت مشهود، واقعیت غیب را نیز به رسمیت می‌شناسیم و موجه بون واقعیت غیب در علم‌شناسی اسلامی، روش‌شناسی متفاوتی را اقتضاء می‌کند.

این دانش آموخته حوزه و دانشگاه با اشاره به مبانی حرکت علمی غرب گفت: در حرکتی که بعد از رنسانس در اروپا شکل گرفت، واقعیت غیب به علت این که منبع معتبری برای مطالعه درباره آن وجود نداشت، کنار گذاشته شد و غربیان فقط به واقعیت مشهود پرداختند و بنابراین با اتکا به عقل و تجربه، science یا علوم تجربی به وجود آمد.

وی افزود: در جهان اسلام به علت وجود منبع معتبر قرآن کریم مسلمانان می‌توانند پیرامون واقعیت غیب نیز به مطالعه پرداخته و تولید علم خود را بر آن مبتنی کنند. بنابراین در علم اسلامی تلاش می‌شود تا با توجه به منبع اصیل قرآن کریم، میان دین، عقل و تجربه رابطه برقرار شود و آنچه لازمه برقراری این رابطه و تولید علم اسلامی است، منطق و روش‌شناسی جدیدی است که بتوانیم براساس آن نظریه‌پردازی کنیم.

در علم اسلامی تلاش می‌شود تا با توجه به منبع اصیل قرآن کریم، میان دین، عقل و تجربه رابطه برقرار شود و آن چه لازمه برقراری این رابطه و تولید علم اسلامی است، منطق و روش‌شناسی جدیدی است که بتوانیم براساس آن نظریه‌پردازی کنیم. عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز با اشاره به این که تحول در علوم انسانی از اوایل انقلاب مطرح و مورد توجه بوده است، عنوان کرد: از اوایل انقلاب شیوه‌های مختلفی از تولید علوم انسانی براساس مبانی اسلامی، به ویژه در حوزه‌های علمیه و به خصوص حوزه علمیه قم طراحی شد و روش‌های گوناگونی شکل گرفت که از این میان می‌توان به رویکرد آیت‌الله العظمی جواد آملی، موضع آیت‌الله مصباح و هم‌فکران ایشان و رویکرد فرهنگستان علوم اسلامی، به عنوان اصلی‌ترین رویکردهای علم‌شناسانه اسلامی موجود در کشور اشاره کرد.

زاهد درخصوص رویکرد علامه جواد آملی اظهار کرد: ایشان میان علوم تجربی و علوم انسانی تفاوتی قائل نمی‌شوند و معتقدند که اگر ما به علم واقعی تجربی دست پیدا کنیم، این علم تجربی با آنچه که در قرآن کریم آمده است، مغایرت نخواهد داشت، چون همان کسی که بیان‌کننده قرآن است، آفریننده طبیعت و قوانین حاکم بر طبیعت نیز هست. بنابراین چون این دو باید هماهنگ باشند، اگر ما در مطالعات تجربی‌مان به مواردی برخوردیم که با قرآن مغایر بود، متوجه می‌شویم که تجربه ما ناقص بوده و دچار خطا و اشتباه شده‌ایم، اما می‌توانیم بر تجربیاتی که با قرآن هماهنگ است، به عنوان قوانین الهی و علم الهی تأکید کنیم و بر آنها تکیه داشته باشیم و در این امر تفاوتی میان علوم تجربی و علوم انسانی نیست.

وی با اشاره به موضع آیت‌الله مصباح و شاگردان وی درباره علم اسلامی بیان کرد: این گروه اعتقاد دارند که ما می‌توانیم با اتکا به احکام و دانش‌های وحیانی، فرضیه‌ها و سؤالاتی را در حوزه موضوعات اجتماعی و انسانی طرح کنیم و با روش‌های موجود پیرامون آن فرضیات و سؤالات به تحقیق و پژوهش بپردازیم. در پایان نیز با تطبیق نتایج به دست آمده با دانش‌ها و متون وحیانی مانند قرآن و روایات، نتایج مغایر را کنار می‌گذاریم و می‌توانیم نتایج غیر مغایر را به عنوان دانش اسلامی اخذ کنیم.

زاهد در تشریح موضع فرهنگستان علوم اسلامی نیز گفت: براساس موضع گروه دیگری که در فرهنگستان علوم اسلامی اشتغال به پژوهش و تحقیق دارند، اعتقاد بر این است که ما برای دستیابی به علوم موضوعی اسلامی نیاز به تولید «فلسفه چگونگی» داریم. این گروه معتقدند که در فلسفه اسلامی تاکنون فقط به «چیستی» و «چرایی» پرداخته شده و به «چگونگی» که قدرت برنامه‌ریزی را به ما می‌دهد، پرداخته نشده است.

دانشیار گروه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز ادامه داد: براساس مبنای فرهنگستان علوم اسلامی، ما باید در ابتدا «فلسفه چگونگی» را با اتکاء به منابع دینی و قرآن کریم و سیره معصومین(ع) به دست بیاوریم و بعد براساس آن، به نظریه‌پردازی حول موضوعات مختلف بپردازیم و سپس براساس آن نظریات، طرح‌های عملی و اجرایی تنظیم کنیم. بنابراین کار تحقیقاتی این گروه از سه مرحله تدوین فلسفه چگونگی، نظریه‌پردازی و کاربرد نظریه تشکیل می‌شود.

وی با بیان این که تاکنون هیچ توافق یقینی بر هیچ کدام از این نحله‌ها شکل نگرفته است، گفت: اما در نهایت به نظر می‌رسد که با توجه به مبانی فرهنگستان علوم اسلامی می‌توان به نحوی تفصیلی‌تر به تدوین علوم انسانی اسلامی پرداخت.